رویدادهای مهم تاریخی

خاورمیانه

از سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز ۱۴۸

محسن میرزایی

ایران و خاورمیانه در جنگ جهانی اول (۲)

در شماره پیش نوشتیم که آتش جنگ جهانی اول که دولت های اروپایی آغازگر آن بودند به خاطر استقرار نیروهای نظامی روسیه تزاری در شمال ایران و تلاش نیروهای عثمانی برای بیرون کردن آنها بلافاصله به قلمرو ایران رسید و این نکته را هم یادآور شدیم که مراجع تقلید و علمای اعلام عتبات عالیات و عشایر ایرانی و عشایر عرب با وجود اعلام بی طرفی ایران به خاطر اسلامیت از امپراتوری عثمانی حمایت کردند. اینک دنباله ماجرا:

عوامل آشوب در آذربایجان

در چهارم محرم ۱۳۴۴ هـ.ق «مفخم الدوله» سفیر ایران در روسیه تزاری، محرمانه به وزارت امور خارجه خبر داد که «حاجی شجاع الدوله» قصد دارد به آذربایجان برگردد («حاجی شجاع الدوله» از خان های طرفدار روسیه بود که در زمان مشروطیت وبعد از آن در آذربایجان شرارت ها کرده بود و بعد از آن قضایا بر اثر فشار دولت ایران در کشور روسیه تزاری به حالت تبعید به سر می برد.)

هدف روس ها از فرستادن «شجاع الدوله» به آذربایجان این بود که عشایر آن ناحیه را برای جنگ با عثمانی آماده کنند.

با رسیدن تلگرام محرمانه سفیر ایران در روسیه «علاءالسلطنه» از سفیر خود در «پطرزبورگ» خواست، از روس ها دوستانه خواهش کند که «شجاع الدوله» را از آذربایجان خارج کنند. علاءالسلطنه به سفیر ایران در روسیه تأکید کرده بود که «هر ساعتی که از اقامت شجاع الدوله در آذربایجان بگذرد، مشکلات دولت زیادتر و اثرات سوء آن در افکار مردم بیشتر خواهد شد.»

(ر.ک به کتاب سبز - نشر تاریخ ایران شماره ۲۶، ۱۳۶۳)

همزمان از سفیر ایران در لندن نیز خواسته شد از مقام های دولت انگلستان بخواهد که روس ها را زیر فشار قرار دهند و «شجاع الدوله» را از آذربایجان بیرون کنند. علاءالسلطنه تأکید کرده بود که:

«مخصوصاً دولت ایران از دولت انگلستان جداً تقاضا دارد که سوءاثر اقدام های شجاع الدوله را به روسها حالی کنند.»

(ر.ک به کتاب سبز - نشر تاریخ ایران ش ۲۶)

کوشش نخست وزیر ایران بر این بود که نیروهای بیگانه بهانه ای برای حضور در آذربایجان نداشته باشند و ایران در جنگ شومی که درگرفته است آلوده نشود و برای پیشبرد این منظور با تمام مقام های ذی نفوذ تماس گرفت. اما در آن اوضاع و احوال نه مجالی برای نصیحت وجود داشت و نه فرصتی برای حق جویی و حق طلبی.

روسیه تزاری و امپراتوری عثمانی هر یک برای حضور در آذربایجان و شمال ایران استدلالی داشتند و برای سال های پس از جنگ و استقرار صلح دلیل هایی می آوردند و در این میان آنچه رعایت نمی شد مسأله بی طرفی ایران بود.

در این میان تکلیف ایرانیان با روس ها روشن بود. روس ها از زمان مشروطیت در آذربایجان مستقر شده بودند و با وجود تذکرات مدام وزارت امور خارجه مبنی بر تخلیه خاک ایران، امروز و فردا می کردند و ایرانیان روس ها را دشمن می دانستند. زیرا روسها بودند که محمدعلی شاه را در توپ بستن مجلس شورای ملی حمایت کردند و در عاشورای ۱۳۳۰ مرحوم ثقة الاسلام و آزادیخواهان آذربایجانی را به دار آویختند. اما از عثمانی که همسایه و هم کیش مردم ایران بود توقعی دیگر داشتند. در حالی که مردم ایران از عثمانی حمایت می کردند، عشایر ایران برای حمایت مسلحانه از عثمانی آماده رفتن به میدان های جنگ شده بودند و علمای نجف و کربلا و مراجع تقلید حکم جهاد داده بودند. دولت و مردم ایران توقعی نداشتند که عثمانی ها هم با مردم ایران مثل روس ها رفتار کنند!

«علاءالسلطنه» در تاریخ ۱۸ ماه محرم ۱۳۳۳ خطاب به «عاصم بیک» سفیر کبیر عثمانی در تهران نوشت:

«مطابق اخباری که در این چند روز به دوستدار رسیده معلوم می شود که باز هم رؤسای عشایر ومتنفذین حدودی (مرزی) آن دولت علیه در نزدیکی «بانه» و «ساوجبلاغ» به تحریک عشایر و علما و رؤسای ایلات اشتغال دارند. جناب مستطاب حضرت عالی تصدیق دارند که این تجاوزات با مقررات عهدی و حقوقی فیمابین منافاتی عظیم دارد و دایره منازعه را در خاک این دولت بی طرف بسط و توسعه داده، اماکنی را که از قوای اجنبی میراست بدین وسیله آلایش می دهید. بنابراین دوستدار، توجه خاطر ذات سفارت پناهی را به مدلول مراسلات عدیده سابقه خود عطف عنان داده تجاوز عساکر (نظامیان) کرد و عشایر و رفتار متنفذین حدودی (مرزی) آن دولت علیه را حقاً و اصولاً «پروتست» نموده قویاً مترصد است در رفع این تجاوزات و رجعت عساکر و عشایر و روابط حدودیه (مرزی) از مقام های لازمه صادر و اولیای دولت متبوعه دوستدار را قرین امتنان و تشکر کنند.

مستوفی الممالک: چه قبل از اعلان جنگ روس و عثمانی وچه بعد از آن اوضاع امروزی را پیش بینی کرده بودم. از جناب وزیر مختار روسیه خواهش کرده بودم که قشون روس از ایران احضار شود. متأسفانه با این خواهش دولت ایران موافقت نشد. دولت روسیه با این نیت صادقانه دولت ایران که جز خیر دولت روس و انگلیس در آن نبود موافقت نشد و کار به اینجا کشید

محمدعلی علاءالسلطنه

تلاش های علاءالسلطنه و اقدام های دیپلماتیک او در آن گیر و دار دولت های دنیا به جان هم افتاده بودند، به جایی رسید و او با آنکه دیپلماتی کارکشته بود در آن اوضاع و احوال آشفته صلاح خود و مملکت را در استعفا دید و در ۱۷ ماه اوت ۱۹۱۴ - ۲۴ مرداد ۱۲۹۳ از مقام نخست وزیری استعفا کرد و «میرزا حسن خان مستوفی الممالک» مأمور تشکیل کابینه شد.

«مستوفی از خاندانی بود که نسل اندر نسل به سمت «مستوفی گری» یعنی کارمندی وزارت دارایی به روزگار «زندیه» و «قاجاریه» خدمت کرده بودند. «مستوفی» نه با روس ها سروسری داشت نه با انگلیس ها دمخور و دمساز بود. نه از «حزب دموکرات» بود نه از حزب «اعتدالیون». البته «دموکرات ها» او را به واسطه عدم وابستگی به شرق یا غرب محترم می داشتند و بر دیگر رجال سیاسی ایران ترجیح می دادند. مستوفی الممالک تحصیلات عمیقی نکرده بود ولی تیزهوش وروشن بین بود و در هر کار مصالح ایران و منافع ایرانیان را بر هر موضوع دیگری مقدم می شمرد. نخستین کار کابینه مستوفی قبول استعفای «مرنارد»، مستشار بلژیکی در امور گمرک و مالی بود.

این شخص مستخدم دولت ایران بود و از دسترنج زن و مرد ایرانی حقوق می گرفت ولی عملاً مزدور سفارتین روس و انگلیس بود و هر قدر نسبت به سفیران روس و انگلیس خضوع و خشوع می کرد، در برابر ایرانیان، بی ادب و بی اعتنا و گستاخ بود. «مستوفی الممالک» استعفای او را که بیشتر جنبه ناز و غمزه داشت، پذیرفت و امور مالی کشور را از دست این خارجی حق ناشناس بیرون آورد.»

ر.ک به کتاب ایران و جهان - تألیف شادروان دکتر عبدالحسین نوایی جلد سوم - صفحه ۳۰۰ - نشر هما.

کار بزرگ دیگری که کابینه مستوفی الممالک انجام داد برکنار کردن «صمد خان شجاع الدوله» بود. شادروان دکتر عبدالحسین نوایی در این مورد می نویسد:

«صمد خان شجاع الدوله جلاد آزادمردان آذربایجان بود. اودر برابر روس ها به خاک می افتاد و دم بر زمین می زد و چکمه می لیسید، اما آزادیخواهان ایرانی را سرمی برید. یا شکم پاره می کرد یا بر دار می کشید یا پیش سگان درنده می انداخت.»

مستوفی الممالک برای بیرون کردن شجاع الدوله از آذربایجان با روس ها مذاکره کرد وچون دولت روسیه تزاری جلب حمایت دولت ایران را بیشتر به سود خود می دیدند تا حمایت از مرد فاسق فاجری چون شجاع الدوله، قرار شد صمدخان از آذربایجان اخراج شود و به سنت قاجاریه که همیشه تبریز محل استقرار ولیعهد بود، محمدحسن میرزا برادر احمدشاه فرمانروای آذربایجان باشد وچون ولیعهد جوان و بی تجربه بود نیابت حکومت به «سردار رشید» تفویض شود.

محمد حسن میرزا ولیعهد — محمد علی علاء السلطنه — سردار رشید فرمانروای آذربایجان

میرزا حسن خان مستوفی الممالک

سومین اقدام کابینه مستوفی تأیید بی طرفی ایران بود که البته در آن شرایط، اعلام بیطرفی ایران عملاً بی ارزش و بی محتوا بود. شادروان استاد نوایی در این مورد می نویسد:

«شرایط و مقتضیات ایران در آن هنگام به گونه ای بود که همه می دانستند این بیطرفی صورت پذیر نخواهد بود. زیرا نیروی نظامی روسیه تزاری سراسر شمال ایران را عملاً متصرف شده بود و این خود عامل مهمی برای نقض بیطرفی بود. از آن گذشته، دولت عثمانی نیز از چندین سال پیش در قسمت هایی از خاک ایران مستقر شده بود و فقط در این اواخر نیروهای خود را به «بالکان» اعزام داشته و به اتفاق آلمان و اتریش جبهه مستحکمی در برابر روس ها آراسته بودند، و پیدا بود این دو نیروی عظیم در طول جنگ با یکدیگر درگیر خواهند شد. کابینه مستوفی الممالک در سه چهارماه اول تمامی کوشش خود را به کار بست تا نیروهای نظامی روس و عثمانی ایران را تخلیه کنند اما روسیه تزاری می گفت دولت ایران قادر به حفظ مرزهای خود نیست از این رو نیروهای نظامی روسیه باید تا پایان جنگ در ایران بمانند و عثمانی ها هم که در ظاهر آمادگی خود را برای تخلیه ایران اعلام می کردند این موافقت را مشروط بر تخلیه ایران از قوای نظامی روسیه تزاری می کردند. در تاریخ ۵ صفر ۱۴۴۳ مستوفی الممالک وزرای مختار روس و انگلیس را احضار کرد و رودر رو با آنان به گفت و گو پرداخت. شرح این مذاکرات در «کتاب سبز» آمده است که اینک خلاصه آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

مستوفی الممالک:

«در مورد وضع آذربایجان بارها با شما مذاکره کرده ام و امروز نیز بار دیگر می خواهم به اطلاع شما برسانم که:

چه قبل از اعلان جنگ روس و عثمانی وچه بعد از آن اوضاع امروزی را پیش بینی کرده بودم. از جناب وزیر مختار روسیه خواهش کرده بودم که قشون روس از ایران احضار شود. متأسفانه با این خواهش دولت ایران موافقت نشد. دولت روسیه با این نیت صادقانه دولت ایران که جز خیر دولت روس و انگلیس در آن نبود موافقت نکرد و کار به اینجا کشید. حالا هم خواهش خود را تجدید می کنم و تمنا می کنم قشون روس از ایران احضار بشود ودولت ایران را آزاد بگذارند که بتواند بیطرفی خود را حفظ کند و از حوادث ناگوار پیشگیری کند.»

دیپلمات های خارجی برای مستوفی الممالک احترام خاصی قائل بودند و از سوابق حکومتی و خانوادگی او باخبر بودند و می دانستند که مردم وقتی می گویند «آقا» یعنی مستوفی الممالک و جز او کسی را با این عنوان نمی شناختند و این را هم می دانستند که نه اهل رشوه دادن است و نه رشوه بگیر است و به قول خود مستوفی «نه آجیل می خورد نه آجیل می دهد.»

وزرای مختار روس و انگلیس این را هم می دانستند که پدرش «میرزا یوسف خان مستوفی الممالک»، در زمان ناصرالدین شاه صدراعظم بود نه از آن صدر اعظم هایی که مقام خود را با تملق و چاپلوسی به دست آورده باشد. او یک درویش به تمام معنا بود و این ناصرالدین شاه بود که با اصرار و خواهش از او خواسته بود که مسئولیت صدارت را بر عهده بگیرد و همیشه او را «حضرت آقا» خطاب می کرد.

وقتی که سخنان مستوفی به پایان رسید سکوت عمیقی حکمفرما شد وزرای روس و انگلیس خود را در برابر مردی می دیدند که حرف های بحقش سوزدل یک ملت مظلوم است و شاید در این فکر بودند که در برابر سیاستمداری که تمامی حرف هایش بی خدشه و منطق است یاوه سرایی های دیپلماتیک خود را چگونه آغاز کنند. سرانجام وزیر مختار انگلستان سکوت را شکست وگفت: «حضرت اشرف رئیس الوزراء در باب بیطرفی ایران مطالبی اظهار فرمودند، لازم است در جوابیه، آنچه را می دانم بگویم:

از قراری که برای من یقین شده، در تهران هیجانات فوق العاده ای در افکار عامه بر ضد دول متحده (روس و انگلیس) مشاهده می شود. منشی های سفارت علیه عثمانی و سفارت آلمان و اتریش اتصالاً مشغول تحریک هیجان هستند. پولی گزاف که برای سفارت آلمان فرستاده شده بود و من توقیف کردم واضح است که برای مخارج سیاسی نیست، بلکه برای مصرف این تحریکات است. از طرف دیگر صاحب منصبان سوئدی ژاندارمری تمایل خود را نسبت به دشمنان ما پنهان نمی کنند و بیم آن است که در صورت بروز انقلاب، ژاندارمری سوئدی بر ضد دولت ایران با مردم همراهی کند.

مستوفی الممالک:

خواهش هایی که من از آغاز زمامداری خود از وزرای مختار کردم، برای این بود که امروز چنین اظهاراتی را نشنوم، شما مرا مجبور می کنید که عقاید خودم را خیلی واضح و صریح بیان کنم و پیشاپیش از شما معذرت می خواهم:

با وجود مساعی ایران در حفظ بیطرفی خود، از هیچ طرف این بیطرفی درست رعایت نمی شود. آنچه راجع به هیجان افکار عامه اظهار داشتند پنهان نمی کنم. چون ایرانی ها مسلمان هستند و ممکن است بعضی حسیات داشته باشند ولی باید سبب را پیدا کرد و علت را فهمید و آن را رفع کرد.

من اهل این مملکت هستم و از حساسیت اهل این مملکت بخوبی واقفم، یقین دارم که اگر با مقاصد دولت ایران مساعدت بشود، احساسات فوراً تغییر خواهد کرد و این قبیل تحریکات در اذهان اثری نخواهد داشت.

ولی شما مردم را تحریک می کنید سفارت انگلستان به چه منظوری اعلامیه امپراتور عثمانی را چاپ و پخش می کند.

جنرال قونسول روس در تبریز به چه مناسبتی رؤسای ایالت آذربایجان را به طرفداری از شجاع الدوله تشویق می نماید. اینها تحریکاتی است که روس و انگلیس بدان دامن می زنند»

در این موقع نوبت به وزیرمختار روسیه رسید و در قالب اصطلاحات دیپلماتیک شروع به صحبت کرد و گفت: «حضرت اشرف رئیس الوزرا درباره نقض بی طرفی ایران مطالبی فرمودند از حضرت اشرف می پرسم آیا بیطرفی ایران مثل بلژیک نقض شده است. (توضیح آنکه دولت آلمان به رغم بیطرفی بلژیک آن کشور را با حملات نظامی پی درپی و ویرانگر خود، تصرف کرده بود.)

مستوفی الممالک: وزیرمختار محترم باید توجه داشته باشند رفتار ایرانیها با روسها هم مثل بلژیکی ها با آلمانیها نبود.

وزیرمختار روسیه: حضرت اشرف، مستر چرچیل (این چرچیل مستشار سفارت انگلیس بود. با چرچیلی که در جنگ جهانی دوم نخست وزیر انگلستان بود اشتباه نشود.) حضور دارند بهتر است از ایشان بپرسید قشون روس چرا به آذربایجان آمد.

مستر چرچیل: بعد از آنکه در زمان محمدعلی شاه مجلس به توپ بسته شد، آذربایجانی ها قیام کردند، شاه نیز شاهزاده عین الدوله را به تبریز فرستاد تا آن شهر را از همه طرف محاصره کند و این محاصره چندماه طول کشید و کارمردم تبریز به جایی رسید که علف می خوردند، نمایندگان سیاسی روس و انگلیس از محمدعلی شاه جداً تقاضا کردند که محاصره تبریز ظرف مدت ۳ روز برداشته شود، شاه وعده داد و وفا نکرد آن وقت به تقاضای سران انگلیس و روس قشون روس با مقدار زیادی آذوقه وارد تبریز شد و از آن وقت تا حال دولت ایران همیشه آمدن قشون روس را به آذربایجان پروتست (اعتراض) کرده است.

وزیرمختار روس: حضرت اشرف چه شد که در این مدت ۵ سال دولت ایران خروج قشون روس را از ایران با این جدیت تقاضا نمی کرد؟

مستوفی الممالک: اگرچه همیشه و در هر موقع دولت ایران حضور قشون روس را پروتست (اعتراض) کرده ولی اصرار امروزه دولت ایران مربوط به وضع فوق العاده ای است که به واسطه جنگ اتفاق افتاده، زیرا به خاطر اقامت قشون روس در ایران خطرات بزرگ آن متوجه ایران شده است.

مستوفی الممالک:

آقای وزیرمختار روس می فرمایند دولت روسیه تزاری به «صمد خان شجاع الدوله» اعتماد غریبی دارد چون آدمی است کاری و منظور شما از آوردن اوبه ایران این است که اوبرای جلوگیری از عثمانی قوایی از عشایر آذربایجان فراهم آورد. اما اغلب رؤسای عشایر آذربایجان با «شجاع الدوله» دشمنی دارند، و همین مسأله ممکن است موجب جنگ داخلی بشود. این مورد هم مثل سایر پیش بینی های من است که گفته بودم و به آن توجه نکردید تا این اوضاع پیش آمد.

یک مسأله موجب تعجب و حیرت من است اگر دولت ایران بخواهد قوایی تشکیل دهد و مرزهای خود را امن کند شما به آن اهمیت نمی دهید و بعد به امثال «شجاع الدوله» که قوایش به مراتب ضعیف تر و بی نظم تر است متوسل می شوید! اینک تقاضای خود را باردیگر درمورد بازگشت قشون از شمال ایران تکرار می کنم و خواهش می کنم که ایران را به حال خود بگذارید.

وزیرمختار روس: حضرت اشرف رئیس الوزرای ایران خوب است فکر کنند و ببینند در این جنگ تمایل دولت ایران به کدام طرف است و کدام طرف برای ایران صرفه اش بیشتر است.

مستوفی الممالک: آقایان وزرای مختار به این نکته توجه فرمایند که: دولت ایران به رغم افکار عمومی که با روس و انگلیس همراه نیستند و به رغم علمای اعلام و مراجع تقلید که جانب عثمانی را گرفته اند، سعی می کند که بیطرفی خود را حفظ کند. باید توجه داشته باشند که همین موضوع بیطرفی ممکن است دولت ایران را در نظر ملت منفور کند. مقامهای روس بی توجه به مشکلات ما در حفظ بیطرفی به دولت ایران سوءظن هم دارند. لذا باز هم خواهش می کنم برای رفع مشکلات، ایران را به حال خود بگذارید تا با قوای خودش از این حوادث پیشگیری کند. در صورتی که قشون روس ایران را ترک کند، یقیناً عثمانی هم تخطی نخواهند کرد و احیاناً اگر هم به خاک ایران تجاوز کنند دولت ایران جلوی آنها را خواهد گرفت. ما نمی خواهیم قشون روس از ایران خارج شود و به جای آن قشون عثمانی بیاید.

مستوفی الممالک رئیس الوزرای ایران درپایان مذاکرات در همان جلسه اهداف آینده دولت ایران را برای وزرای مختار تشریح کرد و گفت: «درصورتی که قشون روس ایران را ترک کند، حضرت اقدس «محمدحسن میرزا ولیعهد» به تبریز فرستاده خواهندشد و قوای منظمی در آنجا تشکیل خواهندشد و از خطراتی که ایران را تهدید می کند جلوگیری خواهدشد.»

ادامه دارد

مستوفی الممالک: آقایان وزرای مختار به این نکته توجه فرمایند که: دولت ایران به رغم افکار عمومی که با روس و انگلیس همراه نیستند و به رغم علمای اعلام و مراجع تقلید که جانب عثمانی را گرفته اند، سعی می کند که بیطرفی خود را حفظ کند. باید توجه داشته باشند که همین موضوع بیطرفی ممکن است دولت ایران را در نظر ملت منفور کند